

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

«هم‌میهن» روزنامه است.



نامه‌ای در بدترین زمان برای ایران

نامه‌ای که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا گفت که برای پیشنهاد بازگشایی مسیر گفت‌وگوها با ایران در مورد برنامه هسته‌ای‌اش ارسال کرده‌است، در شرایطی نوشته‌شده‌است که ایران از لحاظ سیاست داخلی در بی‌ثبات‌ترین شرایط چندین سال گذشته قرار دارد. در طول ماه جاری پارلمان تحت سیطره محافظه‌کاران در ایران قدرت خود را علیه کابینه‌رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب که از تیرماه کار خود را آغاز کرده‌است، اعمال کرد و عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد باتجربه را برکنار کرد و هم‌زمان محمدجواد ظریف، معاون رئیس‌جمهور و شناخته‌شده‌ترین اصلاح‌طلب دولت هم مجبور به کناره‌گیری شد. این اعمال قدرت مخالفان، به روشنی برخلاف تمایل مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور بود، اما در شرایطی که اقتصاد تحت فشار تحریم‌های آمریکا قرار دارد، رهبر ۸۵ ساله ایران، [آیت‌الله] سیدعلی خامنه‌ای به‌وضوح حاضر به حمایت از پزشکیان نشد. پارلمان ایران که احساس می‌کندروی دور افتاده‌است، حالاً می‌خواهد ۱۱ وزیر دیگر کابینه‌راهم احضار کندو مجموعاً۴۹ سوال از آنها در مورد عملکردشان بپرسد؛ اقدامی که بیش از هر چیز به نظر می‌رسد با هدف ایذای دولت پزشکیان باشد تا در مقابل آنها تسلیم شود. شایعاتی از همین حالا منتشر شده‌است که پزشکیان، مردی احساساتی که با شعار صداقت کار خود را آغاز کرد، قصد دارد به زودی استعفا دهد. خروج او از قدرت تایید خواهد کرد که دولت عمیق، یا انگونه که در ایران گفتمنی‌شود دولت‌سایه، حاضر به از دست دادن قدرت نیست. اگر او از کار کناره‌گیری کند، کاملاً روشن خواهد کرد که چه کسی را مسئول می‌داند. او در یک سخنرانی به شدت صادقانه، عاقبت تمایل خود را به زیان آورد و گفت که او به مذاکره با غرب تمایل داشت، اما رهبر معظم آن را رد کرد و «تمام شد و رفت.» پزشکیان گفت: «نظر بنده این بود که گفت‌وگو بهتر است. رهبر انقلاب فرمودند ما با آمریکا گفت‌وگو نمی‌کنیم. من هم آدمم گفتیم با آمریکا گفت‌وگونی کنیم. باید خودمان را با چپتی که رهبر انقلاب مشخص کردند وفق دهیم.» پزشکیان گفت: «برای تطبیق خود با شرایط و حل مشکلات، باید تلاش و راه‌های مؤثری پیدا کنیم.» پزشکیان در این سخنرانی همچنین گفت: «از وقتی که کار را شروع کردیم، با ناترازی در زمینه آب، برق، گاز و از سوی دیگر بدهی‌های کلان در زمینه پرداخت مطالبات گندم‌کاران، بخش‌های بهداشت و درمان، بانزشتگان و نظایر آنها مواجه بودیم.» او روز شنبه بار دیگر به خاطر کمبود منابع انرژی عذرخواهی کرد. بخش زیادی از این منابعها ظاهراً در خصوص سومدیریت اقتصادی و فقر، در واقع بخشی از یک نبرد بزرگ‌تر در مورد رابطه با غرب است. محافظه‌کاران معتقدند که تجربه نشان داده‌است که ترامپ و اسرائیل به عنوان متحد او، غیرقابل اعتماد هستند و به دنبال تغییر رژیم در ایران هستند. پزشکیان در دوران تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری‌اش اینگونه استدلال می‌کرد که ایران می‌تواند به منازعه با غرب پایان بدهد، اما همچنان مستقل باقی بماند. اگر نامه ترامپ شرایط سختی برای گفت‌وگوها در مورد برنامه هسته‌ای ایران تعیین کند، نگاه محافظه‌کاران احساس موفقیت می‌کنند که به درستی پیش‌بینی کرده‌اند که مطالبات واشنگتن از ایران زیاد است. اما اگر تهران رویکرد ترامپ را نپذیرد، آنگاه احتمالاً بمباران تالیسات هسته‌ای ایران توسط اسرائیل بیشتر می‌شود. مهم‌ترین مانع در برابر چنین حمله‌ای، تهدید همیشگی ایران به تلافی نیست (چراکه اسرائیل بر این تصور است که دفاع هوایی ایران را ناپود کرده‌است) بلکه در واقع نتیجه استدلال کشورهای جنوب خلیج فارس است. شیخ محمد بن عبدالرحمن آل‌ثانی، نخست‌وزیر منطقی قطر در یک مصاحبه با تاکر کارلسون هشدار داد که اگر به نیروگاه اتمی بوشهر ایران حمله شود، مواد رادیواکتیو در خلیج فارس سرازیر خواهد شد و در عرض ۳ روز هیچ‌یک از کشورهای خلیج فارس دیگر به آب آشامیدنی دسترسی نخواهند داشت. همه این کشورها برای آب آشامیدنی به آب شیرین‌کن وابسته هستند و نه تنها ماهی‌ها از بین می‌روند، بلکه بقیه گونه‌های زندگی هم در منطقه از بین می‌روند. فعلاً دیپلمات‌های حرفه‌ای ایران موضع را نگه داشته‌اند که به صورت مستقیم با آمریکا مذاکره نخواهند کرد. البته این موضع احتمال مذاکره مستقیم‌را حفظ می‌کند که ممکن است با میانجی‌گری روسیه انجام شود. اجماع در تهران این است که زمان‌بندی نامه ترامپ با هدف جنگ روانی است تا تهران را وادار به رد پیشنهاد کند و شکاف در داخل ایران را در مورد استراتژی مواجهه با غرب تشدید کند تا نهایتاً منازعه ایران و غرب وارد مرحله‌نهایی خود شود.

دیپلماسی

دیپلماسی

سیگنال ظریف به دنیا

بررسی پیامدهای خارجی حذف راهبردی رئیس‌جمهور



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

محمدجواد ظریف، وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی ایران که در دولت چهاردهم به‌عنوان معاون راهبردی مسعود پزشکیان خدمت می‌کرد، روز ۱۳ اسفند با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس خبر داد که از مقام خود استعفا داده‌است. ظریف در بیان دلایل استعفای خود نوشت: «دیروز به دعوت ریاست محترم قوه قضائیه به دیدار ایشان رفتم. در این دیدار، ایشان با اشاره به شرایط کشور توصیه کردند که برای پیشگیری از فشار بیشتر بر دولت، به دانشگاه بازگردم. بنده نیز بی‌درنگ پذیرفتم که همواره خواسته‌ام یار باشم و نه بار. با سیاس فراوان از ایشان که بار مسئولیت در برابر خدا و مردم را از دوش بنده برداشتند، امیدوارم با کنار گذاشتن بنده، بهانه‌ها برای سنگ‌اندازی در برابر خواست مردم و موفقیت دولت برداشته شود. هنوز به پشتیبانی از دکتر پزشکیان گراقتدر می‌بالم و برای ایشان و دیگر خدمتگزاران راستین به مردم بهترین‌ها را آرزومندم.»
کناره‌گیری ظریف، هم‌زمان با استیضاح عبدالناصر همتی، وزیر امور اقتصادی و دارایی تنها ۷ ماه پس از آغاز به کار دولت چهاردهم، نشان‌دهنده توانمندی مخالفان دولت در نهادهای حاکمیتی است و نشان می‌دهد که حتی اگر دولت پزشکیان علاقمند باشد که برنامه‌های سیاست خارجی خود را بر اساس آنچه در شعارهای خود در تبلیغات ریاست‌جمهوری بیان کرده‌بود پیش ببرد، با موانع بسیار سخت و سنگینی در داخل کشور مواجه است.

گرمای تنور انتخابات

سه‌شنبه ۲۹ خرداد، حضور محمدجواد ظریف و مهدی سنایی به‌عنوان مشاوران سیاست خارجی مسعود پزشکیان، نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری در برنامه میزگرد سیاسی انتخابات ۱۴۰۳، به ناکاه شور و حرارت بسیاری به انتخابات ۱۴۰۳ بخشید. محمدجواد ظریف که بعد از پایان کار دولت دوازدهم در سال ۱۴۰۰ از متن سیاست خارج شده بود و به دانشگاه برگشته‌بود، حالا در میانه انتخابات قرار داشت. ظریف بعد از این برنامه تلویزیونی به سرعت به چهره اصلی ستاد انتخاباتی مسعود پزشکیان تبدیل شد. حضور ظریف در کنار پزشکیان و سخنرانی‌های او در شهرهای مختلف در حمایت از تعامل با کشورهای جهان و انتقاد از کاسبان تحریم، این امید را در میان رای‌دهندگان

به مسعود پزشکیان زنده کرده‌بود که با حضور پزشکیان در قدرت، شاهد چرخش در سیاست خارجی و ایجاد زمینه‌های تعامل با غرب و مذاکره برای برطرف کردن تحریم‌ها باشند. کمی بیش از ۸ ماه پس از آن میزگرد سیاسی، حالا شرایط کاملاً تغییر کرده‌است. دیگر آن شور و اشتیاق گذشته در میان افرادی که به مسعود پزشکیان رای دادند وجود ندارد. به نظر می‌رسد که تندروهای مخالف تعامل با غرب کاملاً پیروز شده‌اند. محمدجواد ظریف که از ۱۱ مرداد به عنوان معاون راهبردی رئیس‌جمهور و رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست‌جمهوری منصوب شده‌بود، هفته گذشته از مقام خود کناره‌گیری کرد. امروز دیگر امید کمتری در میان حامیان پزشکیان وجود دارد که دولت او بتواند تحریم‌ها را مرتفع کند و در پرونده هسته‌ای و دیگر مسائل اختلافی با غرب به توافق دست پیدا کند. شاید کناره‌گیری ظریف نخستین نشانه از بسته شدن درهای تعامل با غرب در دولت پزشکیان بود.

شاید فشار شدید به محمدجواد ظریف برای کناره‌گیری از مقام خود، به نوعی شلیک هشدار به سیدعباس عراقچی بود که اگر بخواهد ابتکارهایی را برای بهبود روابط با غرب در پیش بگیرد که یادآور برجام و دوران وزارت ظریف باشد، ممکن است که هدف بعدی او باشد

به نوشته رسانه‌های خارجی، ظریف به عنوان نماد میانه‌روی نظام حاکم بر ایران شناخته می‌شد. جروزالم‌پست اسرائیل در واکنش به استعفای ظریف نوشت: «ظریف به عنوان چهره دلپذیر ایران شناخته می‌شد، اما حالا دیگر نقاب کنار رفته است. در واقع اساساً قضیه ربطی به تندرو بودن نداشت، چون ظریف هم یک وفادار به نظام بود. آنچه اتفاق افتاد مربوط به مسائل سیاست داخلی بود. ایران در حال دور شدن از غرب است و این احساس ایجاد شده‌است که آدم‌هایی مانند ظریف دیگر مثل گذشته مورد نیاز نیستند.»
کناره‌گیری ظریف در رسانه‌های اسرائیلی عمدتاً با استقبال مواجه شد. هآرتص در تحلیلی در این مورد نوشت: «این تغییر می‌تواند فشار نظامی و دیپلماتیک بر ایران را افزایش دهد.» این رسانه به نقل از یک منبع گفت: «اسرائیل و متحدانش از این فرصت استفاده خواهند کرد.»

پیام به عراقچی

تقریباً تردیدی وجود ندارد که حامیان حذف ظریف، بیش از هر چیز مخالف تعامل جمهوری اسلامی ایران با دولت‌های غربی و به‌ویژه آمریکا هستند. محمدجواد ظریف تنها وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران بود که حاضر شد با همتای آمریکایی خود مذاکره مستقیم انجام دهد. محمدجواد ظریف مسئول مذاکراتی بود که سال ۱۳۹۴ به انعقاد برجام منتهی شد. بلومبرگ در تحلیل خود درباره استعفای ظریف معتقد است: «بدون ظریف، ایران ممکن

«هم‌میهن» روزنامه است.

نگاه

«هم‌میهن» روزنامه است.

«هم‌میهن» روزنامه است.

«هم‌میهن» روزنامه است.

است به تقابل با غرب کشیده شود.» این رسانه به نقل از یک مقام گفت: «تندروها حالا دست بالا را دارند.» هرچند در دولت چهاردهم ریاست‌دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر عهده محمدجواد ظریف نبود و معاون پیشین او، سیدعباس عراقچی در صدر دستگاه سیاست خارجی ایران قرار گرفته‌است، اما غیبت ظریف از دولت می‌تواند نشان‌دهنده جهت‌گیری کلی دولت چهاردهم باشد. شاید فشار شدید به محمدجواد ظریف برای کناره‌گیری از مقام خود، به نوعی شلیک هشدار به سیدعباس عراقچی بود که اگر بخواهد ابتکارهایی را برای بهبود روابط با غرب در پیش بگیرد که یادآور برجام و دوران وزارت ظریف باشد، ممکن است که هدف بعدی او باشد.

بزم در سنگر دشمن

ناظران سیاسی معتقدند که استعفای ظریف به نفع رقبای منطقه‌ای ایران خواهد بود. هرچند ظریف مستقیماً مسئولیتی در دستگاه سیاست خارجی دولت چهاردهم بر عهده نداشت، اما از یک سو نماد مذاکره با آمریکا و از سوی دیگر نماد بسیج کردن جامعه جهانی علیه دولت ترامپ در دور نخست ریاست‌جمهوری او محسوب می‌شد. حالا اما مخالفان منطقه‌ای ایران خیال‌شان آسوده‌تر است که محمدجواد ظریف، که ادعا می‌کرد با دیپلماسی توتیتری توانسته‌است یک بار دونالد ترامپ را در تقابل با ایران زمین‌گیر کند، دیگر در دولت ایران حضور ندارد. در واقع اجبار به کناره‌گیری ظریف نشان داد که دولت پزشکیان هم‌زمان با فشارهای خارجی که با امضای یادداشت ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ برای احیای کارزار فشار حداکثری انتظاری می‌رود تشدید شود، در جهه داخل هم باید با مخالفان قدرتمند داخلی مبارزه کند و از دو سو تحت فشار مضاعفی قرار خواهد گرفت. براساس گزارشی که خبرگزاری خبرآنلاین از واکنش رسانه‌های بین‌المللی به کناره‌گیری ظریف تهیه کرده‌است شبکه تلویزیونی الجزیره معتقد است: «استعفای ظریف می‌تواند ایران را به سمت شرق سوق دهد.» این رسانه به نقل از یک تحلیلگر گفت: «اما این تغییر ممکن است ایران را در برابر فشارهای اقتصادی آسیب‌پذیرتر کند.» خبرآنلاین در ادامه گزارش خود از واکنش رسانه‌های خارجی به استعفای ظریف می‌نویسد: جی‌زیرو مدیا دیگر رسانه کانادایی نوشت: «این استعفا قدرت‌گیری تندرها را تأیید می‌کند.» این رسانه به نقل از یک کارشناس گفت: «ظریف از ابتدا با مقاومت اصول‌گرایان روبه‌رو بود و این‌ پایان کار او را رقم زد.»
المیادین نیز گزارش داد: «استعفای ظریف می‌تواند به معنای پایان تلاش برای تعادل بین شرق و غرب باشد.» این رسانه به نقل از یک منبع گفت: «ایران حالا ممکن است به محور مقاومت نزدیک‌تر شود.» در طول دورانی که ظریف

«هم‌میهن» روزنامه است.

تلاش برای حذف صدای میانه

ظریف دور شدند، به همان اندازه هم دور شدن او از دولت باعث می‌شود که مردم به ظریف بار دیگر نزدیک شوند.

رسانه‌های اسرائیلی در واکنش به جدایی ظریف از دولت، نوشته‌اند که این استعفا به نفع اسرائیل است. جدای اینکه ظریف صدای مردم بود در مقابل بیگانگان، در عین حال یک نیروی متخصص کاربلد بود که می‌دانست چگونه منافع ایران را در مقابل بیگانگان تأمین کند. دو دلیل دارد که برخی از دشمنان ایران از کناره‌گیری ظریف ابراز خرسندی کرده‌اند: نخست اینکه ظریف صدای مردم ایران بود و این موضوع به افزایش توان ایران در نظام بین‌المللی کمک می‌کرد و دوم اینکه یک نیروی متخصص و حرفه‌ای بود که می‌توانست منافع ایران را در مذاکره با بیگانگان به نحو احسن تأمین کند. کناره‌گیری ظریف و حذف او از نظام تصمیم‌سازی کشور به نفع همه آنهایی است که صرفاً منافع خودشان را در مذاکرات بین‌المللی دنبال می‌کنند. طبیعی است که طرفی مانند اسرائیل هم از این موضوع بسیار خوشحال خواهد بود.

بهانه‌ای که مخالفان ظریف در راستای فشار برای حذف او مطرح می‌کردند، ادعای اجرای قانونی بود که از قبل وجود داشت. درست و صحیح هم همین است که همه ما به دنبال حاکمیت قانون باشیم و خود ظریف هم همیشه بر حاکمیت قانون و عمل به قانون اصرار داشت. منتهی چیزی که عیان است و برای همه مردم هم آشکار بود، این بود که در مورد خاص به‌کارگیری ظریف در دولت، کاملاً به صورت گزینشی به قانون نگاه می‌شد. در واقع بر کسی پوشیده‌نبود که اصل این قانون صرفاً برای هدف فرار دادن شخص محمدجواد ظریف تدوین شده‌است. آنچه حامیان حذف ظریف دنبال می‌کردند با این انگیزه بود که برخی منافع سیاسی و اقتصادی این افراد و گروه‌ها در خطر بود. اگر حضور محمدجواد ظریف و کمک او به دولت و ملت منجر

کارشناس

«هم‌میهن» روزنامه است.

«هم‌میهن» روزنامه است.